

مرگ مهرجویی کدام ابهام؟!



غلامرضا مستفائی

خبرنگار گروه حوادث

کیفرخواست چهار متهم به قتل داریوش مهرجویی و همسرش به زودی صادر و متهمان در دادگاه کیفری محاکمه می‌شوند. آنطور که سخنگوی قوه قضائیه گفته، تمام اماره‌ها و دلایل و همچنین اعترافات متهمان و بازسازی صحنه قتل شکی در قاتل بودن متهمان باقی نگذاشته، اما سؤالی که مطرح است اینکه چرا با وجود همه دلایل هنوز برای بعضی افراد متصور است که ابهاماتی در

این حادثه وجود دارد و با مطرح سؤال‌هایی سعی در معما بودن قتل

مهرجویی و همسرش دارند؟!

هر چند بر اساس قانون، مسیر مراحل و تحقیقات اولیه پرونده‌های جنایی در اداره پلیس و دادسراها محرمانه است و پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش هم به همین رویه از وقوع حادثه تا دستگیری، بازجویی و بازسازی صحنه قتل رسیده‌گی شد. این رویه هر چند طبق قانون صورت گرفته و مورد قبول هم هست، اما همین موضوع باعث طرح ابهاماتی در این پرونده شده است، چون افکار عمومی در پرونده‌های مشابه مهم جنایی که سال‌های قبل رخ داده بود شاهد موارد استثنائی بودند که این رویه قانونی را پلیس و مقام قضایی به دلیلی که طرح سؤال و ابهامی برای مردم ایجاد نشود، نادیده گرفتند و از همان اول با اطلاع‌رسانی دقیق و استفاده از ظرفیت خبرنگاران و رسانه‌ها این فرصت را از افرادی که گاهی هم با قصد و غرض طرح ابهام می‌کنند، گرفتند. به عنوان مثال در پرونده محمدعلی نجفی، وزیر و شهردار تهران در دوران اصلاحات که همسر دوشم را با شلیک گلوله در سال ۹۸ به قتل رساند با هوشیاری و آینده‌نگری مسئولان قضایی که به تبعات آن برای موج سواری برخی افراد مغرض آگاه بودند از همان ذوق اولیه حادثه از سوسی سرپرست دادسرای امور جنایی تهران اطلاع‌رسانی نقطه به نقطه انجام شد.

خبرنگاران و اصحاب رسانه از هر طیف و گروه سیاسی با حفظ رعایت قانون به راحتی با متهم گفت و گو و در تمامی جلسات تحقیقات در دادسرا حضور پیدا کردند تا هیچ اما و آگری در این حادثه باقی نماند. هر جرئت می‌توان گفت اگر پرونده نجفی هم به صورت محرمانه مانند پرونده مهرجویی بدون توجه به اصول حرفه‌ای اطلاع‌رسانی به افکار عمومی و رسانه‌ها رسیده‌گی می‌شد، الان با ابهامات زیادی که از سوی بعضی قربانان مطرح می‌شد رویه‌رو بودیم.

در پرونده قتل‌های زنجیره‌ای مثل خفاش شب و سعید حیایی از ظرفیت رسانه‌ها برای برطرف کردن شبهات مطرح شده به خوبی استفاده شد و خبرنگاران به راحتی به تمام دسترسی داشتند و با طرح سؤال‌های دقیق هیچ معما و ابهامی باقی نماند. الان پس از گذشت سال‌ها از این حوادث همه به وضوح می‌دانند قاتلان با چه شخصیت روانی و انگیزه‌هایی دست به جنایت زدند. نگارنده به عنوان خبرنگار حوزه حوادث که حدود ۱۴ سال است در صحنه‌های مختلف جنایی حضور داشته، به درستی دریافته که حادثه‌های جنایی و به خصوص قتل‌هایی که از سوی افراد مشهور رخ می‌دهد با افراد مشهوری به قتل می‌رسند چنانچه به درستی اطلاع‌رسانی شوند و رسانه‌های این حوزه را نامحرم ندانند هیچ سؤال و ابهامی در آن باقی نمی‌ماند. در پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش زمانی که خبرنگاران در محل حاضر شدند و مأموران مشغول بررسی صحنه قتل بودند مسئولان رسیدگی به حادثه، چه پلیس و چه مقام قضایی به درستی به سؤالات خبرنگاران پاسخ ندادند و حتی بعضی از آنها حاضر به مصاحبه هم نشدند. در صورتی که در همان روز اول، کاراگاهان جنایی از تمام توان خود و حتی برای اولین بار از سگ‌های تربیت شده برای پیدا کردن رد قاتلان استفاده کردند که حکایت از آن داشت همه عزم و جزمشان بر شناسایی و دستگیری قاتلان در سریع‌ترین زمان است و این هر تردیدی را برای تغییر جریان حادثه باقی نمی‌گذاشت، اما بی‌اعتنایی به طرح سؤال‌های خبرنگاران زمزمه‌های ابهاماتی را در قتل برای افکار عمومی مطرح کرد. این رویه نه تنها در ادامه تغییر نکرد که با آن محرمانه تر به خورد شد و اطلاع‌رسانی قطره چکانی و ناقص در باره شناسایی اعلان قتل مزید بد علت شد و سؤال‌های زیادی را در پی داشت.

حتی در روزی که اعلام شد عاملان قتل دستگیری شده‌اند و به زودی بازسازی صحنه قتل صورت می‌گیرد باز هم مسئولان به خبرنگاران هیچ وقتی نینهادند و در آن روز که افکار عمومی منتظر بودند تا خبرنگاران اطلاعاتی از عاملان قتل در اختیار آنها قرار دهند، درها به روی آنها در محل حادثه بسته شد. صحنه بازسازی با حضور چند مقام مسئول به صورت کاملاً محرمانه برگزار شد و حتی پس از پایان صحنه بازسازی هم هیچ یک از مسئولان در بین خبرنگارانی که بیش از ۱۲ ساعت در محل سرا بی‌استاده بودند حاضر نشدند. حال با این با توصیف چه انتظاری از مردم برای قضاوت باقی می‌ماند جز اینکه بدنامی ابهامات و معما در حادثه قتل مهرجویی و همسرش ساخته و پرداخته مسئولان رسیدگی کننده به این پرونده است. با این حال باید منتظر ماند و دید مسئولان در ادامه رسیدگی به این پرونده، به‌خصوص جلسه دادگاهی متهمان چه رویه‌ای را در پیش می‌گیرند.



تصادف چاق باختنه آفسر پلیس

در تصادف شاخ به شاخ بزرگ و نارسایان در جاده ابهر - قیدار، دو افسر پلیس جان خود را از دست دادند.

این حادثه پیش از ظهر روز پنج‌شنبه، ۹ آذرماه در جاده شهرستان ابهر به قیدار بین دو خودروی نیسان و بزرگ‌تر داد که در جریان آن دو نفر جان باختند و یک نفر هم زخمی شد. وقتی مأموران به محل رسیدند متوجه شدند در این حادثه دو نفر از افسران پلیس راه شهرستان ابهر به نام‌های «سهراب جعفری» و «وحید کردیچه» در این حادثه کشته شده‌اند و راننده نیسان نیز به دلیل نداشتن چراغ‌ت به بیمارستان منتقل شد. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

اعتراض کادر درمان بیمارستان مفید مرگ غم‌انگیز نوزاد را رقم زد



پرستاران بیمارستان مفید که در اعتراض به وضعیت کاری خود محل کارشان را ترک کرده بودند، حاضر به پذیرش نوزاد نشدند و طفل فوت کرد. به دستور بازپرس جنایی دو نفر از مسئولان تریاز به اتهام قتل عمد و رئیس مرکز اورژانس هم به خاطر سهل‌انگاری در انجام وظیفه بازداشت شده‌اند. رئیس بیمارستان، سرپرستار و پزشک مستقر در اورژانس و مسئول شیفت هم احضار شدند.

ساعت ۷:۲۰ صبح روز پنج‌شنبه نهم آذر زن جوانی در حالی که نوزادی در بغل داشت، همراه شوهرش وارد بیمارستان مفید شد. آنها بدون درنگ به قسمت تریاز بیمارستان رفتند تا پس از معاینات اولیه و تشکیل پرونده نوزادشان التارا که در تب می‌سوخت به قسمت اورژانس منتقل کنند. جلوی در تریاز تریاز افراد دیگری هم بودند، اما خبری از پرستار آن قسمت نبود. التماس و زاری‌های زن و مرد جوان نتیجه‌ای نداشت و کسی نبود به داد آنها برسد و نوزاد شش ماهه را بپذیرد و وقتی در اورژانس بستری کند. حال نوزاد لحظه به لحظه بدتر می‌شد و با تب بالا و پندر مادرش هم می‌ارزیدند. دقیقه‌ها به سرعت می‌گذشت، اما خبری از مسئول تریاز نشد و گوش شنوایی هم به اعتراضات زن و مرد جوان در بیمارستان پیدا نشد تا اینکه پس از حدود نیم ساعت التارا به قسمت اورژانس منتقل شد و پزشک و کادر درمان اورژانس تلاش‌های خود را برای نجات جان دختر شش ماهه آغاز کردند، اما دیر شد و در نهایت التارا پس از حدود ۵ دقیقه تلاش برای احیاء به طرز غم‌انگیزی مقابل چشممان پندر مادرش فوت کرد.

آغاز تحقیقات جنایی
با اعلام مرگ مشکوک التارا به مأموران کلانتری قلک، قاضی محمد مهدی براهه، بازپرس ویژه قتل دادرسی امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری مشیر به قتل پسر ۲۰ ساله‌ای را خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دم پلیس آگاهی راهی محل شد. بررسی‌های تیم جنایی نشان داد ساعتی قبل در مغازه جگرکی در منطقه مشیر بین چند پسر جوان و شاگرد مغازه جگرکی درگیری خونینی رخ داده‌است که در جریان آن یکی از آنها به نام کیوان با ضربه چاقوی شاگرد مغازه زخمی و راهی بیمارستان شد. اما تلاش تیم پزشکی برای نجات جان آن نتیجه‌ای نداد و وی بر اثر شدت خونریزی در اتاق عمل به کام مرگ فرقتست. مأموران پلیس در بررسی‌های بعدی دریافته‌اند که پسر ۲۵ ساله‌ای به نام مسعود است پس از حادثه به کلانتری رفته و خودش را تسلیم پلیس کرده‌است.

قاتل در بازجویی‌ها با اعتراف به درگیری گفت: «من به کار دیگری مشغول هستم، اما هر زمانی بیکارم برای کمک به مغازه جگرکی می‌آیم و شاگردی می‌کنم. ساعتی قبل خانواده‌ای برای خوردن جگر وارد مغازه شدند و من از آنها پذیرایی کردم. دقیقا بعد چند پسر جوانی که به نظر می‌رسید مست بودند وارد مغازه شدند و با صدای بلند با هم شوخی می‌کردند. آنها حرف‌های رکیک و زشتی می‌زدند به طوری که یکی از مشتریان به آنها اعتراض کرد. او از آنها خواست به خاطر خانواده‌اش رعایت کند و به هم فحاشی نکنند. اما فایده‌ای نداشت و همین موضوع باعث مشاجره آن مرد مرعوب و دستاخش شد»

وی ادامه داد: «مشاجره لفظی آنها ادامه داشت و من از آنها خواستم مغازه را ترک کنند که یکی از آنها به من فحش داد. ما هم با هم درگیر شدیم و درگیری ما به بیرون کشیده شد. آنها تعدادشان زیاد بود و من از ترس به داخل مغازه رفتم و چاقویی برداشتم. وقتی درگیری ما بالا گرفت ضرب‌های یکی از آنها دم، اما قصد قتل نداشتم»

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه، بازپرس جنایی به مأموران دستور داد دوستان مقتول که در حادثه حضور داشتند، برای بازجویی بازداشت شوند.

سرقت‌های سریالی خودرو برای رفتن به امریکا

دختر جوانی که برای فراهم کردن هزینه مهاجرتش به امریکا همراه سه مرد دیگر خودروهای رانندگان تاکسی اینترنتی را سرقت می‌کرد بازپرس یکی از رانندگان به دام افتادند.

به گزارش «جوان»، چندی قبل مرد میانسال‌ی در تهران سراسیمه به اداره پلیس رفت و از یک زن و سه مرد به اتهام سرقت خودرویش شکایت کرد. وی در توضیح ماجرا گفت: «من راننده تاکسی اینترنتی هستم و در تهران و شهرهای اطراف مسافر جابه‌جایی کنم. مدتی قبل زن جوانی به نام شهلارا به عنوان مسافر سوار کرد و او شماره موبایل مرا گرفت و قرار شد هر زمانی که به خودرو نیاز داشت با من تماس بگیرد. چندباری او را به مقصدش رساندم تا اینکه دو روز قبل با من تماس گرفت و خواست او را به پارکی در غرب تهران برسانم. وقتی به پارک رسیدیم، سه مرد جوان در آنجا در حال خوردن غذا بودند. آنها لیوان دوغی به من تعارف کردند و من هم خوردم و دیگر هیچ چیز نفهمیدم تا اینکه ساعتی قبل در یکی از مناطق حاشیه شهر به هوش آمدم و فهمیدم دو روز بهوش بودم و زن جوان و همدستانش هم خودرویم را سرقت کرده‌اند.»

با طرح این شکایت، تیمی از مأموران پلیس به دستور قاضی محمد ولدیی پیراوند، بازپرس شعبه هفتم دادرسی ناحیه ۲۴ برای بررسی موضوع وارد عمل شدند. همزمان با ادامه تحقیقات، مأموران پلیس با شکایت‌های مشابهی رویه‌رو شدند که حکایت از آن داشت زن جوانی با همدستی سه مرد، رانندگان خودروهای اینترنتی را با نوشیدنی مسموم بهوش و خودروی آنها را سرقت می‌کنند.

راننده زیرک

در حالی که تحقیقات برای دستگیری متهمان ادامه داشت به مأموران پلیس خبر رسید راننده یک خودرو در یکی از بوستان‌های غرب تهران با سه مرد و زن جوانی درگیر شده‌است. با اعلام این خبر، تیمی از مأموران راهی محل شدند، اما سه مرد و زن جوان با دیدن مأموران فرار کردند. مأموران در تعقیب و گریز، زن جوان و یکی از مردان را بازداشت و همراه شاک‌ی به اداره پلیس منتقل کردند. بررسی‌هایشان داد زن جوان همراه سه مرد دیگری که خودروی شاک‌ی را برای رفتن به مقصدی کرایه کرده بودند، قصد داشتند او را با دوغ مسموم بهوش کنند، اما راننده متوجه و در ادامه هم با آنها درگیر می‌شود. زن جوان گفت: «از دوران نوجوانی سودای رفتن به امریکا را داشتم، اما نه خانواده‌ام اجازه می‌دادند و نه پول مهاجرت به امریکا را داشتم. مدتی قبل با پسر جوانی به نام شاهرخ آشنا شدم. او وقتی فهمید من دوست دارم برای زندگی به امریکا بروم پیشنهاد داد برای فراهم کردن هزینه مهاجرت‌مان سرقت کنیم. شاهرخ و دو نفر از دوستانش همراه من یک باند سرقت تشکیل دادیم. من همیشه به عنوان مسافر سوار تاکسی اینترنتی می‌شدم و پس از جلب اعتماد شماره آنها را می‌گرفتم تا برای سفر بعدی با آنها تماس بگیرم. معمولا در سومین سفر نقشه‌مان را عملی می‌کردیم.» پس از اعتراف متهم، مأموران دو همدست وی را هم بازداشت کردند. تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی فریدونکنار (معمشهریان عزیز تا فرصت باقی است نسبت به تعویض اسناد دفتر چهای خود اقدام فرمایید)

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ ، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی فریدونکنار مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بیلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد :

املاک متقاضیان واقع در فریدونکنار پلاک ۱۱۹ اصلی بخش ۱۱
۲۰۰۷ فرعی آقای امیر کریمی کناری فرزند قاسم نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با پشای احدائی بمساحت ۱۵۰ متر مربع خریداری از مالک رسمی برابرس رای شماره ۱۹۰۰۳۳۱۰۰۱۹۰۰۲۸۷ مورخ ۱۴۰۲/۶/۲۰ املاک متقاضیان واقع در فریدونکنار پلاک ۶۶ اصلی بخش ۲

باتیمانده ۶۶ اصلی آقای مجید اسماعیلی کناری فرزند عبدالله نسبت به ششدانگ عرصه یک قطعه زمین بمساحت ۱۹۵.۵۷ متر مربع خریداری از بنیاد مستضعفان مالک رسمی برابرس رای اصلاحی شماره ۱۹۰۰۲۹۰۰۱۹۰۰۳۱۰۰۳۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۱

۱۴۸۷ فرعی خاتم سکیته جعفرزاده کناری فرزند محمد جعفر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با پشای احدائی بمساحت ۲۴۸.۱۵ متر مربع خریداری از خان آقای آزادی مالک رسمی برابرس رای شماره ۱۹۰۰۲۹۰۰۱۹۰۰۳۱۰۰۳۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۲

۱۵۵۰ فرعی آقای محمد شیری فرزند غلام نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با پشای احدائی بمساحت ۹۷ متر مربع خریداری از علی اکبر دیبانتی مالک رسمی برابرس رای شماره ۱۹۰۰۳۳۱۰۰۱۹۰۰۳۳۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۵

۲۰۰۸ فرعی آقای امیرعباس تویا فرزند زمان نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با پشای احدائی بمساحت ۲۷۹.۲۶ متر مربع خریداری از مالک رسمی برابرس رای شماره ۱۹۰۰۳۳۱۰۰۱۹۰۰۳۳۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۳

فرزند سید علی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با پشای احدائی بمساحت ۱۳۰.۸۰ متر مربع خریداری از بنیاد مستضعفان مالک رسمی برابرس رای شماره ۱۹۰۰۳۳۱۰۰۱۹۰۰۳۳۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۵/۷

۴۴۹۹ فرعی خاتم صدیقه محمدنژاد کاسگری فرزند رجبعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با پشای احدائی بمساحت ۱۱۵.۸۴ متر مربع خریداری از علی عباس زاده مالک رسمی برابرس رای شماره ۱۹۰۰۳۳۱۰۰۱۹۰۰۳۳۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۰۶۵۳ فرعی خاتم صبا زماپیان فرزند علی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با پشای احدائی بمساحت ۲۸۸ متر مربع خریداری از امید نامی مالک رسمی برابرس رای شماره ۱۹۰۰۲۸۶۶۰۰۱۹۰۰۳۳۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۱

امیدی کناری فرزند غلامعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با پشای احدائی بمساحت ۷۳ متر مربع خریداری از مالک رسمی برابرس رای شماره ۱۹۰۰۳۳۱۰۰۱۹۰۰۳۳۱۰ مورخ ۱۴۰۲/۷/۲۳

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اعلام نمایند. طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت منوکلر به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت میادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابرس ماده ۱۳ آیین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاک که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حواری تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطباع عموم میرساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاااا منتشر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۸/۲۷

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۹/۱۱

شناسه آگهی: ۱۶۰۶۰۴۱

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک فریدونکنار

علی قلی زاده کردی

رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان جوین

سلفاقاسمی

۱۶۱۲۳۳۶

۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲۳

۱۴۰۲/۷/۲